



همپایگی تشبیهات در خطبه‌های نهج البلاغه

زهرا راه‌چمنی^۱، مرضیه آباد^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵
(از ص ۱۰۹ تا ۱۲۶)

چکیده

تشبیه یکی از زیباترین فنون بیان است که نمود فراوانی در خطبه‌های نهج البلاغه دارد و در راستای سهولت درک معنا و اقتناع مخاطب به کار می‌رود. یکی از ویژگی‌های سبکی تشبیهات خطبه‌ها، استفاده فراوان از ساخت‌های همپایه است، همپایگی از زیرشاخه‌های لایه نحوی سبک‌شناسی است و در ساخت‌هایی رخ می‌دهد که دو یا چند واژه، گروه و یا جمله‌واره با حروف ربط همپایه‌ساز به یکدیگر مربوط شوند و در یک وظیفه دستوری قرار گیرند. حدود نیمی از تشبیهات خطبه‌ها در ساخت‌های همپایه پدیدار شده‌اند که برخی از آن‌ها تشبیهات متوالی و برخی دیگر مشببه تشبیهات جمع هستند. این ساخت‌ها با اشکال و اهداف گوناگون در ساخت‌های دوسازه‌ای، سه‌سازه‌ای، چهار سازه‌ای و زنجیره‌ای به کار رفته‌اند که در پیام‌رسانی تشبیهات و انتقال معنا به مخاطب، نقش به‌سزایی دارند. پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ساخت‌های همپایه در تشبیهات خطبه‌های نهج البلاغه بپردازد و تأثیر همپایگی را در انتقال پیام و اندیشه مورد نظر امام(ع) بیان دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که حرف ربط همپایگی تشبیهات در اکثر موارد حرف «واو» است و میان سازه‌ها رابطه‌هایی نظیر ترادف، تضاد، افزایش، تسویه و نفی وجود دارد. همپایگی نحوی نقش به‌سزایی در همپایگی آوایی و موسیقایی کردن تشبیهات دارد. صنایع بدیعی از جمله سجع، جناس، تضاد، تقابل و... در میان سازه‌های همپایه به چشم می‌خورد که می‌توان گفت همپایگی بلاغی تشبیهات با همپایگی نحوی و آوایی پیوند خورده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، تشبیهات، خطبه‌های نهج البلاغه، ساخت همپایه، سازه.

۱. دانش‌آموخته دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

نهج‌البلاغه بازتابی از اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و نگرش‌های امیرمؤمنان علی(ع) پیرامون مسائل سیاسی، اجتماعی، فردی، اعتقادی و ... است که نوع بیان حضرت(ع) و نیز سبک سخن‌پردازی ایشان جلوه‌ای منحصر به فرد بدان بخشیده است. یکی از ویژگی‌های بارز سبک امام(ع) در نهج‌البلاغه استفاده از ساخت-های همپایه است که بررسی آن در یک مقاله امکان‌پذیر نیست. لذا در این مقاله فقط به همپایگی تشبیهات خطبه‌ها اکتفا شده است؛ زیرا تشبیهات یکی از ارکان اساسی اصول بیان عربی است که نمود فراوانی در نهج‌البلاغه دارند.

۱-۱. بیان مسأله

سبک‌شناسی یکی از جامع‌ترین روش‌های نقد و تحلیل متون است که در نقد ادبی نوین جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است و به تحلیل متن و ارزش‌ها و ویژگی‌های آن می‌پردازد و بیان‌کننده نگرش و بینش فرد به واقعیت‌های پیرامونش است. «سطوح و واحدهای تحلیل در زبان که می‌تواند یک بررسی سبک‌شناسانه را سازمان‌دهی کند، عبارت‌اند از: لایه آوایی، لایه نحوی، لایه بلاغی، لایه معنی‌شناسیک، لایه کاربرد شناسیک. این شیوه از آشفستگی تحلیل و تداخل داده‌ها و دیدگاه‌ها پیش‌گیری می‌کند و در هر لایه امکان کاربرد نگرگاه‌ها و روش‌های مناسب را فراهم می‌سازد و مشخصه‌های برجسته سبک و نقش و ارزش آن‌ها در هر لایه، جداگانه مشخص می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۳۷). همپایگی از زیرشاخه‌های لایه نحوی است که ساخت‌های مشابه یک اثر ادبی را مورد بررسی قرار می‌دهد و به غنای متون ادبی کمک می‌کند.

بسامد بالای جملات همپایه در تشبیهات آن حضرت(ع)، نقش عمده‌ای در تمایز سبکی تشبیهات خطبه‌های ایشان داشته است. امیرمؤمنان با کاربرد جملات همپایه در تشبیهات از سویی به توضیح و تفسیر و اقناع بیشتر مخاطب پرداخته است که این تشبیهات همپایه با ایدئولوژی حاکم بر خطبه که برای ارشاد و هدایت مخاطب و القای اندیشه‌های خطیب است تناسب دارد و از سویی دیگر همپایگی نقش مضاعفی در جلب توجه مخاطب و موسیقایی کردن کلام دارد که باعث برجسته شدن تشبیهات و آهنگین و گوشنواز بودن آن‌ها می‌شود و این امکان را فراهم می‌آورد که سازه‌ها در قرینه و توازن با هم قرار گرفته و یک گروه موسیقایی مؤثر در روان و اندیشه مخاطب ایجاد کنند. این پژوهش با بررسی تشبیهات همپایه خطبه‌های نهج‌البلاغه در پی پاسخ به سؤالات زیر است.

امیرمؤمنان تا چه حدی از ویژگی سبک‌ساز همپایگی در تشبیهات خطبه‌ها بهره برده است؟

همپایگی تشبیهات چه نقشی در رویکرد زیباشناسانه دارد؟

کدام یک از حروف همپایه‌ساز بیشتر در تشبیهات مورد استفاده قرار گرفته است؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

درباره ساخت‌های همپایه پژوهش‌هایی در قالب مقاله به رشته تحریر درآمده است از جمله «ساخت‌های همپایه و نقش زیباشناختی آن‌ها در کلیله و دمنه» اثر محمدرضا عمران‌پور، در دو فصلنامه پژوهش زبان و

ادبیات فارسی سال ۱۳۸۴ شماره پنجم. «همپایگی ساخت‌های متن و آیات در نکته‌المصدور و التوسل الی الترسل» نوشته علی عابدی و دیگران که در فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی در زمستان ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. «ساخت‌های همپایه در جزء سی‌ام قرآن» اثر مرتضی قائمی و فائزه صاعدانور در پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، بهار و تابستان ۱۳۹۴، سال دوم، شماره اول که انواع ساخت‌های همپایه در جزء سی‌ام را موردبررسی قرار داده‌اند؛ اما درباره پژوهش‌های صورت گرفته همپایگی در نهج‌البلاغه می‌توان به این موارد اشاره کرد: «تحلیل سبک شناختی نحوی- بلاغی ساخت‌های همپایه در خطبه ۱۱۱ نهج‌البلاغه» اثر مرتضی قائمی و فائزه صاعدانور در پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال سوم، شماره ۱۱ در سال ۱۳۹۴ که نگارندگان انواع همپایگی را فقط در خطبه مذکور موردبررسی قرار داده‌اند. «سبک‌شناسی لایه نحوی- بلاغی نامه سی‌ویک نهج‌البلاغه» نگاشته صلاح‌الدین عبدی و مهتاب کیانی که در پاییز ۱۳۹۶ در پژوهشنامه نهج‌البلاغه به چاپ رسیده است و انواع همپایگی و روابط معنایی در نامه سی‌ویکم موردبررسی واقع شده است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

تشبیهات از مهم‌ترین مسائل بیانی علم بلاغت می‌باشند که کاربرد فراوانی در خطبه‌های نهج‌البلاغه دارند. با توجه به اینکه امام(ع) با بهره‌گیری از تشبیهات همپایه به آماده‌سازی هر چه بیشتر مخاطب برای پذیرش موضوع و انتقال بهتر مفاهیم و معانی موردنظر خود دارد و این همپایگی هماهنگ با جهان‌بینی ایشان است، از این‌رو تشبیهات همپایه خطبه‌های نهج‌البلاغه دارای اهمیت و قابل‌بررسی است تا علاوه بر جنبه تربیتی و ارشاد تشبیهات به ظرایف و زیبایی‌های نهفته در آن پی ببریم.

۲. بحث

۲-۱. همپایگی

یکی از مواردی که در سبک نحوی آثار ادبی موردبررسی قرار می‌گیرد چگونگی پیوند کلام با یکدیگر و ساخت‌های همپایه است. همپایگی از زیرشاخه‌های لایه نحوی و «اصطلاحی از زبان است که اساساً به مفهوم شباهت است و به یک تکرار ساختاری اطلاق می‌گردد» (مفتاح، ۱۹۹۶: ۹۷) و ساخت‌های مشابه یک اثر ادبی را موردبررسی قرار می‌دهد. در حقیقت «همپایگی رابطه‌ای بین دو یا چند عنصر دستوری همنوع است که با ادات همپایه‌ساز به وجود می‌آید و آن عناصر را از نظر نحوی همپایه و همنقش می‌سازد. به‌عبارت‌دیگر همپایگی عاملی برای ایجاد ساختی است که حداقل دارای دو سازه یا دو عنصر همپایه است و ساختی را که در اثر همپایگی ایجاد می‌شود ساخت همپایه می‌نامند» (فالک، ۱۳۷۷: ۳۰۹).

هر ساختی از اجزاء کوچک‌تر تشکیل می‌شود که اجزاء تشکیل‌دهنده آن سازه نامیده می‌شود. «اجزاء تشکیل‌دهنده یک ساخت از انواع مختلف‌اند. سازه‌های یک پدیده ساخت‌مند به شیوه‌ای ویژه سامان می‌یابند. هر سازه‌ای در ساخت مربوط به خود نقش ویژه‌ای را بر عهده می‌گیرد» (غلامعلی‌زاده، ۱۳۷۷: ۷) و با نظم خاصی با یکدیگر ترکیب می‌شوند و از نظر ساختمانی و ارزش نحوی دارای ارزش یکسانی هستند.

بنابراین می‌توان گفت «همپایگی در عبارت‌هایی دیده می‌شود که خصوصیات زیر را داشته باشند:

۱. نوع سازه تکرار شده باشد.
 ۲. سازه‌های تکرار شده به وسیله حداقل یک حرف ربط همپایگی جدا شده باشد.
 ۳. عناصر زائد به شکل اختیاری کاهش یافته باشد.» (قائمی به نقل از هارتمن، ۱۳۹۴: ۶۸).
- نکته دیگر درباره سازه‌های همپایه اینکه «از لحاظ زبانی برای تعداد جمله‌هایی که به‌طور همپایه به یکدیگر افزوده می‌گردد، محدودیتی نیست» (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۷۰: ۷۸).
- در این پژوهش چون همپایگی در میان تشبیهات خطبه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد، بنابراین همه آن‌ها علاوه بر همپایگی نحوی، همپایگی بلاغی نیز دارند.

۲-۲. تشبیهات خطبه‌ها

تشبیه از زیباترین جلوه‌های لفظی و صنایع ادبی است که باعث روشنگری و تقریب معانی دور از ذهن می‌گردد و بر فضل و جمال معانی می‌افزاید. به نظر عبدالقاهر جرجانی ادیب و دانشمند بزرگ قرن پنجم «تشبیه و تمثیل و استعاره مهم‌ترین اصل در نیکو ساختن کلام است - اگر نگوییم که همه نیکویی‌های کلام به تشبیه و تمثیل و استعاره برمی‌گردد- و این‌ها همچون قطب‌هایی هستند که معانی پیرامون آن‌ها می‌گردند» (الجرجانی، ۱۹۹۱: ۲۷). قدامه بن جعفر آن را از جمله برجسته‌ترین تکنیک‌های سخن عرب می‌داند: «وأما التشبيه فهو من أشرف كلام العرب، وفيه تكون الفطنة والبراعة عندهم» (الجندی به نقل از نقد النثر، ۱۹۵۲: ۴۸ / ۱). ابوهلال عسکری بیان می‌دارد که قدامه از هر نسلی بر شرافت و فضل تشبیه اذعان دارند: «و قد جاء عن القدماء و أهل الجاهلية من كل جيل ما يستدل به على شرفه و فضله و موقعه من البلاغة بكل لسان» (العسکری، ۱۹۵۲: ۲۳۱). به نظر باقلانی بلاغت با تشبیه شناخته می‌شود: «التشبيه تعرف به البلاغة» (باقلانی، ۱۹۵۴: ۱۷۲).

امیرمؤمنان (ع) در خطبه‌های نهج‌البلاغه برای بیان افکار و اندیشه‌های خویش از تشبیهات مختلفی بهره برده‌اند و با توجه به اینکه هدف خطابه، اقناع مخاطب و تغییر نگرش اوست، تشبیهات خطبه‌ها اندیشه مخاطب را در جهت اهداف موردنظر به تکاپو و تفکر وا می‌دارند.

با توجه به اینکه مخاطب امام (ع) در خطبه‌های ایشان عامه مردم بوده‌اند، ایشان مطالب موردنظر خود را در قالبی ساده و واژگان حسی و قابل فهم به مخاطبان منتقل کرده‌اند. در حقیقت نگاه تشبیهی ایشان به مسائل انتزاعی پیرامون خود جلوه خاصی به خطبه‌ها بخشیده است

۲-۳. انواع سازه‌ها در تشبیهات خطبه‌ها

سازه‌ها به سه گونه متفاوت در ساخت‌های همپایه به کار می‌روند: سازه کلمه‌ای: هنگامی که سازه یک کلمه باشد. سازه گروهی: هنگامی که سازه از گروه تشکیل شود و سازه جمله‌واره‌ای: زمانی که سازه‌ها یک جمله باشند. در تشبیهات خطبه‌های نهج‌البلاغه هر سه نوع سازه وجود دارد که ساخت‌های جمله‌واره‌ای بیشترین و ساخت‌های کلمه‌ای کمترین بسامد را دارد.

۲-۳-۱. سازه کلمه‌ای

این نوع از سازه کمترین بسامد را نسبت به بقیه انواع دارد و در دو نوع از تشبیهات به کار رفته است.

الف. تشبیهات بلیغ اضافی که مشبه (مضاف‌الیه)، همپایه کلمه‌ای شده است؛ مانند:

«أَزَى نُورِ الْوَحْيِ وَ الرَّسَالَةِ وَ أَشْمُ رِيحِ النَّبِيِّ» (خطبه/۱۹۲) نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می‌کردم (انصاریان، ۱۳۷۹: ۵۶۲). در این تشبیه بلیغ اضافی وحی و رساله به نور تشبیه شده‌اند.

ب. تشبیهات تسویه (تشبیهاتی که چند مشبه و یک مشبه‌به دارند). فقط سه مورد از این نوع تشبیه در خطبه‌ها وجود دارد که همگی سازه کلمه‌ای دارند.

«إِنَّ الْمَالَ وَ الْبَيْنَ حَرْثُ الدُّنْيَا» (خطبه/۲۳) در این تشبیه سازه‌های همپایه «المال» و «البین» که کلمه‌ای هستند به کشت دنیا تشبیه شده‌اند.

«فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَ مَثَلُهَا كَسَفَرٍ سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَأَنَّهم قَدْ قَطَعُوهُ وَ أَمْوا عِلْمًا» (خطبه/۹۹) شما نسبت به دنیا همچون مسافرانی هستید که راه را طی کرده و آن را به پایان برده‌اند، (انصاریان، ۱۳۷۹: ۲۱۸). در این ساختار حالت مردم و دنیا را به کسی که راه را به آخر رسانده است تشبیه نموده است؛ یعنی در سرعت سیر خود شبیه کسی هستند که آن راه را به آخر رسانده باشد.

۲-۳-۲. سازه گروهی

این نوع از سازه در دو گروه از تشبیهات به کار رفته‌اند:

الف. در تشبیهات بلیغ اضافی (مشبه‌به به مشبه اضافه شده است) به کار رفته است که دو تشبیه متوالی با هم همپایه گشته‌اند، مانند: «مِنْ شَجَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ مَشْكَاةِ الصَّيَّاءِ» (خطبه/۱۰۸) او را از شجره انبیا و از چراغدان نور اختیار نمود (انصاریان، ۱۳۷۹: ۲۳۷). سازه‌های گروهی (جارومجرور+ مضاف‌الیه) برای توصیف بهتر پیامبر به صورت افزایشی همپایه گشته‌اند.

ب. در تشبیهات بلیغی که مشبه‌به خبر واقع شده است و سازه‌های گروهی دیگر (مشبه‌به‌های دیگر) با آن همپایه شده‌اند، مانند: «هُمْ مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لَجَأُ أَمْرِهِ وَ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَ مَوْتِلُ حُكْمِهِ وَ كُهُوفُ كُنْهِهِ وَ جِبَالُ دِينِهِ» (خطبه/۲) اهل بیت رسول جایگاه راز حق و پناهگاه امر یزدان و ظرف علم رحمان و مرجع دستور خدا و مخازن کتاب‌های پروردگار و کوه‌های پشتوانه دین الهی‌اند (انصاریان، ۱۳۷۹: ۵۷). رابطه معنایی این سازه‌های گروهی (خبر+مضاف‌الیه+ مضاف‌الیه) افزایشی است که همگی در بیان فضائل اهل بیت پیامبر(ص) هستند.

۲-۳-۳. سازه جمله‌واره‌ای

سازه‌های جمله‌واره‌ای بیشترین بسامد را در تشبیهات خطبه‌ها دارند و در تشبیهاتی به کار رفته‌اند که دو یا چند تشبیه متوالی که هر یک جمله‌ای مستقل هستند، همپایه گشته‌اند.

الف. در تشبیهات بلیغی که مشبه‌به مفعول مطلق نوعی واقع شده است؛ مانند: «وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ يَرُدُّونَهُ وَرُودَ الْأَنْعَامِ وَ يَأْتَهُونَ إِلَيْهِ وَ لَوْهَ الْحَمَامِ» (خطبه/۱) حضرت(ع) حال شیفتگان حرم الهی و مشتاقان خانه خدا را به تشنگانی توصیف کرده‌اند که مانند چهار پایان، به سوی آب

هجوم می‌آورند و در تشبیه دوم که همپایه تشبیه اول است آنان را به پرنده‌گانی که به کعبه انس دارند تشبیه نموده است. ساختار هر یک از سازه‌های جمله‌ای به صورت (فعل + مفعول به / جارومجرور + مفعول مطلق نوعی + مضاف‌الیه) است. به کارگیری فعل «یردونه» و «یألهون» و تکرار آن دو به صورت مصدر «ورود» و «ولوه» (جناس اشتقاق) و همچنین فواصل مسجع باعث همپایگی آوایی شده است.

ب. در تشبیهات بلیغی که مشبه به خبر واقع شده است؛ مانند: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا الْعِبَادُ مُقْتَرُونَ فِي لَيْلِهِمْ وَ نَهَارِهِمْ لَطْفَ بِهِ خَيْرًا وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمًا أَعْضَاؤُكُمْ شُهُودُهُ وَ جَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ وَ ضَمَائِرُكُمْ عُيُونُهُ وَ خَلَوَاتُكُمْ عِيَانُهُ» (خطبه/۱۹۹) آنچه بندگان در شب و روز خود انجام می‌دهند بر خداوند پاک مخفی نیست، به کار پنهان عباد آگاه و به علمش بر آن محیط است، اعضای شما شاهدان خدا بر شما و اندامتان لشکر حق و درونتان جاسوسان الهی هستند و خلوت‌های شما برای او آشکار است (انصاریان، ۱۳۷۹: ۴۴۹). سازه‌های جمله‌واره‌ای علاوه بر همپایگی بلاغی (تمامی سازه‌ها تشبیه هستند) و همپایگی نحوی (مبتدا + مضاف‌الیه + خبر + مضاف‌الیه)، همپایگی آوایی (فواصل مسجع) نیز دارند.

ج. هنگامی که چند تشبیه متوالی غیر بلیغ همپایه می‌شوند، مانند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا كُمْ وَ تَعَلَّمُ الْجُحُومُ إِلَّا مَا يُهْتَدَى بِهِ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ فَإِنَّهَا تَدْعُو إِلَى الْكُهَّانَةِ وَالْمُنَجِّمِ كَالْكَاهِنِ وَالْكَاهِنِ كَالسَّاحِرِ وَالسَّاحِرِ كَالْكَافِرِ وَالْكَافِرُ فِي النَّارِ» (خطبه/۷۹) ای مردم، از آموختن علم نجوم بپرهیزید مگر به عنوان ابزاری برای جهت‌یابی در خشکی یا دریا، زیرا نتیجه آموختن نجوم کهانت و پیشگویی است و منجم چون کاهن و کاهن همانند ساحر و ساحر همچون کافر است و کافر در جهنم است. (انصاریان، ۱۳۷۹: ۱۵۳) سه تشبیه متوالی غیر بلیغ همپایه شده‌اند که وجه شبه در تمامی تشبیهات انحراف و عدول از راه خدا با نجوم و کهانت و سحر و کفر است.

۲-۴. روابط معنایی سازه‌ها در تشبیهات خطبه‌ها

پیوند بین سازه‌های دوگانه یا چندگانه به وسیله ادات ربط همپایه‌ساز صورت می‌گیرد. اداتی که در تشبیهات برای ایجاد ساخت‌های همپایه به کار رفته‌اند، عبارت‌اند از: «و»، «أو» و «ف» و «ثم»؛ که از این میان «و» بیشترین بسامد را نسبت به بقیه ادات دارد و بقیه به صورت انگشت‌شمار به کار رفته‌اند. همچنین «سازه‌ها دارای نظام مفهومی و روابط معنایی گوناگونی هستند که معمولاً با حرف ربط همپایه‌ساز به دست می‌آید. معانی مانند: مترادف و یکسانی، تضاد و مقابله، توالی، افزایش، لازم و ملزوم، نتیجه و...» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۳۲). در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۲-۴-۱. رابطه معنایی مترادف

در این ساخت‌ها، تمامی سازه‌های یک ساخت همپایه، دارای مفهوم واحد و یکسانی هستند و پیام واحدی را به مخاطب منتقل می‌کنند. امام(ع) با آوردن سازه‌های مترادف مطلب را در ذهن مخاطب تقریر می‌کند و او را به هدف و پیام موردنظر خود نزدیک می‌نماید.

آن حضرت(ع) در بیان معایب دنیا و نفرت از آن و سرانجام کارش، آن را به چهار مشبه به تشبیه می‌نماید: «فَإِنَّ الدُّنْيَا... غُرُورٌ حَائِلٌ وَ صَوَاءٌ آفِلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ وَ سِنَاءٌ مَائِلٌ» (خطبه/۸۳) دنیا... فریبنده‌ای زودگذر

و نوری غروب کننده و سایه‌ای از بین رونده و تکیه‌گاهی رو به افتادن است (انصاریان، ۱۳۷۹: ۱۵۷). تمامی سازه‌ها به مفهوم ناپایداری و زوال‌پذیری و زودگذر بودن آن اشاره دارند و مضمونی همسان در بر دارند. همپایگی نحوی، بلاغی و آوایی در این تشبیه به‌خوبی نمایان است. سازه‌های گروهی یکسان (خبر این+ صفت)، مشابه به بودن تمامی سازه‌ها، موسیقی حاصل از مرفوع بودن سازه‌ها و همچنین سجع متوازی بین صفت‌های مشابه‌ها «حائل»، «أفل»، «زائل» و «مائل» خواننده را به فضایی سوق می‌دهد که در آن اتحاد شکلی و معنایی محسوس است؛ زیرا تمامی فواصل دلالات ایحائی دارند که معنی فناء و ناپایداری و زودگذری دنیا را الهام می‌کنند.

۲-۴-۲. رابطه معنایی تضاد و تقابل

در ساخت‌های متضاد سازه‌ها مقابل هم قرار گرفته و ادات همپایه نوعی تقابل ساختاری یا مفهومی ایجاد می‌کند و «مقابله آن است که دو معنای موافق یا بیشتر در جمله آورده شود، سپس معنای مقابل آن به همان ترتیب در جمله ذکر شود» (تفتازانی، ۱۳۹۲: ۱۳۹/۲).

مانند کلام آن حضرت (ع) در بیان تقوی و فجور: «اعلموا عباد الله ان التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ وَ الْفُجُورُ دَارُ حِصْنٍ ذَلِيلٍ» (خطبه/۱۶۷) بندگان خدا، بدانید تقوا قلعه‌ای محکم و نفوذ ناپذیر است، ولی گناه حصارى پست است (انصاریان، ۱۳۷۹: ۱۵۷). در سازه اول تقوی به سرایی استوار تشبیه شده که انسان را از ورطه هلاکت دنیوی و اخروی حفظ می‌کند و سازه دوم نقطه مقابل تقوی یعنی فجور و گناهان است که به سرایی پست و زبون تشبیه شده است. دو سازه جمله‌ای با ساختار نحوی یکسان (اسم آن+ خبر آن+ مضاف‌الیه+ صفت) و با رابطه معنایی تقابل بکار رفته‌اند تا از طریق تضاد بین سازه‌ها، ارزش تقوی بیان گردد، زیرا با توجه به اصل «تعرف الاشیاء باضدادها» تضاد در جهت عمق‌بخشی به معنا و روشن ساختن یک مفهوم به‌کار می‌رود.

۲-۴-۳. رابطه معنایی یکسانی (تسویه)

حروف ربط این گروه غالباً «أو» و «أم» است که دو تشبیه یا دو مشابه به که تقریباً ارزش یکسانی دارند همپایه یکدیگر قرار می‌گیرند.

در تشبیهی آن حضرت (ع) در نهی از علاقمند شدن به دنیا، آن را به باقیمانده آب در ته ظرف و به جرعه‌ای از «مقله»- ریگ‌های ته پیمانه که هنگام کم‌آبی به‌وسیله آن سهم اشخاص را معلوم می‌کنند- تشبیه کرده است: «فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا سَمَلَةٌ كَسَمَلَةِ الْإِدَاوَةِ أَوْ جُرْعَةٌ كَجُرْعَةِ الْمَقْلَةِ لَوْ تَمَرَّزَهَا الصَّدِيقَانُ لَمْ يَنْقَعِ» (خطبه/۵۲) از دنیا چیزی نمانده جز ته‌مانده آبی همانند ته‌مانده آبی در ظرفی کوچک و یا چون جرعه آبی اندک که اگر تشنه‌ای بمکد سیراب نشود (انصاریان، ۱۳۷۹: ۱۲۶). هر دو تشبیه در بیان اندک و ناچیز شمردن باقیمانده دنیا، برای تمام اشخاص است، زیرا باقیمانده دنیا به نسبت باقی ماندن افراد در این دنیا است. هر دو تشبیه مفهومی مترادف دارند. یعنی همان‌طور که شخص تشنه اگر مختصر آبی در ته ظرف و یا جرعه‌ای آب بیابد و آن را بچشد، سیراب نمی‌شود، طالب دنیا و تشنه لذت‌های آن، چنانچه باقیمانده عمر خود را از لذایذ دنیا بچشد، تشنگی‌اش رفع نشده و دردش دوا نمی‌یابد. با توجه به جهان‌بینی

حضرت(ع) درباره گذرا بودن دنیا و ناپایداری آن، ایشان دو تشبیه متوالی را بیان می‌کند تا مخاطب با همانندی دنیا به این دو تصویر متنبه شود که توقف انسان در این دنیا، کوتاه و ناچیز است و به‌زودی بانگ رحیل سر داده می‌شود. بنابراین سزاوار است که انسان از دنیاخواهی دست برداشته، هوس و شهوات خود را از دنیا قطع کند. همپایگی آوایی این ساخت و زیبایی ناشی از تکرار کلمه «سمله» در سازه اول و «جرعه» در سازه دوم به وسیله تشبیه ایجاد گردیده است. چرا که اگر امام(ع) این عبارت را با استعاره بیان می‌نمود و می‌فرمود: «فلم یبق منها إلا سمله الأداة أو جرعة المقلة» دیگر تشبیه و تکراری در کلام نبود.

۲-۴-۴. رابطه معنایی نفی

گاهی میان سازه‌ها رابطه معنایی نفی وجود دارد که معادل آن در زبان فارسی عبارت «نه... نه...» است، بدین معنا که هر دو سازه یک مفهوم را نفی می‌کنند.

مانند: «أَلَا وَ إِنِّي لَمْ أَزِ كَالْجَنَّةِ نَامَ طَالِيهَا وَ لَا كَالنَّارِ نَامَ هَارِيهَا» (خطبه/۲۸) بدانید که مانند بهشت که خواهانش خواب باشد ندیدم و همچون عذاب که گریزان از آن در غفلت باشد سراغ ندارم (انصاریان، ۱۳۷۹: ۹۷). در این ساخت به‌وسیله حرف ربط همپایگی دو عمل در قالب تشبیه نفی شده است. در سازه دوم فعل به قرینه حذف شده و با ادات ربط «ولا» با سازه اول که جمله فعلیه است و حرف نفی «لم» به کار رفته است، همپایه گشته است. در هر دو مورد مشابه محذوف است و تقدیر عبارت چنین است: «لم از نعمة كالجنة نام طالها و لا نعمة كالنار نام هارها». توازن نحوی حاکم بر تشبیه، در کنار نقش موسیقایی سازه‌های مسجع دو تشبیه، موسیقی کلام را پربارتر می‌کنند و در نتیجه تأثیر بیشتری در جلب توجه مخاطب خواهد داشت. همچنین تقابل واژگان باعث تقابل معنای دو تشبیه شده است که غافلان از بهشت و دوزخ را آگاه فرموده که بیدار شوند و خود را برای به جا آوردن اعمال، در جهت سرانجام خوش یا ناخوش آینده آماده کنند.

۲-۴-۵. رابطه معنایی افزایش

مهم‌ترین ویژگی این رابطه بسط سازه‌هاست که سازه‌های مختلف به یکدیگر افزوده و همپایه می‌گردند تا مطلب برای مخاطب قابل فهم‌تر شود.

مانند کلام آن حضرت(ع) که مردم را از پیروی کورکورانه گذشتگان و بزرگانی که به اصل و حسب خود می‌نازیدند، نهی می‌کند و برخی از اسباب و علل آن را در قالب تشبیه بیان می‌فرماید: «فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أَسَاسِ الْعَصِيَّةِ وَ دَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ وَ سُيُوفُ اغْتِزَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ» (خطبه/۱۹۲) زیرا آن‌ها پایه‌های ساختمان عصیبت و ستون‌های ارکان فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلیت‌اند (انصاریان، ۱۳۷۹: ۵۴۳). در این ساخت همپایه رابطه معنایی افزایش بین سازه‌ها وجود دارد و حضرت(ع) برای اقناع و ارشاد مخاطب سازه‌ها را افزایش می‌دهد تا مخاطب از پیروی بزرگان متکبر پرهیز کند. امام(ع) تعصب و فتنه را به خانه‌ای تشبیه می‌کند که سردمداران فاسد و متکبران خودخواه همانند پایه و ستون این خانه و نیز همانند شمشیرهای برنده هستند زیرا آنان دارای موقعیت و تصمیم‌های قاطع و نافذ بوده‌اند چنان‌که شمشیر بر هر جا که وارد شود قاطع و برنده است.

۲-۵. انواع همپایگی در تشبیهات خطبه‌های نهج البلاغه

همپایگی در تشبیهات خطبه‌ها به دو صورت رخ می‌دهد. نخست در درون ارکان یک تشبیه، یعنی یکی از ارکان تشبیه در دو یا چند سازه همپایه می‌شوند، مثلاً مشبه با مشبه‌های دیگر، مشبه به با مشبه‌به‌های دیگر و یا وجه‌شبه با وجه‌شبه‌های دیگر سازه‌هایی یکسان دارند؛ اما با توجه به اینکه پربسامدترین سازه‌های همپایه در ارکان تشبیهات، مشبه‌به‌ها هستند و مشبه و وجه شبه به صورت انگشت‌شماری همپایه شده‌اند، ما در تقسیم‌بندی انواع همپایگی تشبیهات فقط سازه‌های همپایه مشبه‌به را مورد بررسی قرار داده‌ایم. نوع دیگر از ساخت‌های همپایه تشبیهات در خطبه‌های نهج البلاغه آن است که دو یا چند تشبیه متوالی با هم همپایه می‌شوند. با اندکی تأمل همپایگی تشبیهات را می‌توان در تعدد تشبیهات در بحث بیان جست که به چهار نوع مفروق، ملفوف، تسویه و جمع تقسیم می‌شود.

حدود ۱۱۰ ساخت همپایه در تشبیهات خطبه‌های نهج البلاغه وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به دو

بخش تقسیم کرد:

۲-۵-۱. همپایگی در تشبیهات متوالی

در این نوع از همپایگی، تشبیهات متوالی با ساختارهای نحوی مشابه همپایه می‌شوند. در خطبه‌های نهج البلاغه ۱۳۳ تشبیه همپایه از این نوع وجود دارد و در ۵۹ ساخت همپایه به کار رفته‌اند که از این میان ۴۶ مورد ساخت همپایه دو سازه‌ای و دارای یک حرف ربط همپایگی، ۱۱ مورد ساخت سه سازه‌ای و دارای دو حرف ربطی و ۲ مورد ساخت چهار سازه‌ای و دارای سه حرف ربطی هستند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد:

ساخت همپایه دو سازه‌ای میان دو تشبیه متوالی در خطبه اول به چشم می‌خورد که آن حضرت(ع) خلق آسمان‌ها را در تشبیه بلیغی بیان می‌نماید که مشبه‌به، مفعول دوم فعل «جعل» واقع شده است.

جعل // مفعول به أول (مشبه) + مضاف إليه + مفعول به دوم (مشبه به) + نعت	فَسَوَّى مِنْهُ سَعَى سَمَوَاتٍ
جَعَلَ سَفَافَهُنَّ مُوجًا مَكْفُوفًا	وَعُلْيَاهُنَّ سَقْفًا مَحْفُوظًا

هر یک از سازه‌ها، یک تشبیه هستند (همپایگی بلاغی) و در ساخت نحوی یکسانی به کار رفته‌اند (همپایگی نحوی) که در تشبیه دوم فعل «جعل» به قرینه محذوف است. حضرت(ع) پایین‌ترین آسمان را به موجی تشبیه کرده است که این موج نگه داشته شده است و شاید وجه مشابهت در ارتفاع و علو و رنگ باشد و بالاترین آسمان را به سقفی محفوظ تشبیه کرده، زیرا میان این دو در بلندی و احاطه مشابهت است. موازنه بین دو تشبیه (همپایگی آوایی) و تنوین نصب در مشبه‌به‌ها- که با تصویر شکافته شده آسمان‌ها و علو و ارتفاع تناسب معنایی دارد- بر موسیقی کلام افزوده است که می‌توان گفت ساختار نحوی یکسان بستر این آهنگ شده است.

در خطبه صد و سیزدهم هنگامی که سخن از دنیا و ناپایداری آن می‌شود حضرت(ع) برای پرهیز دادن مردم، تعداد سازه‌ها را افزایش می‌دهد تا مخاطب آن را بهتر درک نماید:

ساخت نحوی: مضاف‌الیه+جمله وصفیه (فعل+ مفعول مطلق نوعی+ مضاف‌الیه)			فَمَا خَيْرٌ
وَأَمَّا تَنْقُضُ انْقِطَاعَ السَّيْرِ	وَأَعْمُرُ يَفْنَى فِيهَا فَنَاءَ الزَّادِ	دَارٍ تَنْقُضُ نَقْضَ الْبِنَاءِ	

در این ساخت همپایه که از سه سازه تشکیل شده، سه تشبیه متوالی با یک ساختار نحوی-مشبه‌به: مفعول مطلق نوعی- به کار رفته است که اصل تشبیه در حقیقت بدین شکل بوده است: «دار تنقض نقضاً کفوض البناء و...». حضرت(ع) اندیشه موردنظر خود را به صورت سوال مطرح می‌کند تا پاسخ آن از درون دل‌های مخاطبین برخیزد و با حالت استفهام انکاری سازه‌ها را در قالب تشبیه افزایش می‌دهد تا تأثیر عمیق‌تری بر جای نهند و مخاطب به عدم وجود خیروبرکت در این خانه و عمر و مدت سپری شده در آن، ایمان بیشتری یابد. نخست دنیا را به خانه‌ای کهنه و فرسوده تشبیه می‌نماید که دیوارهایش شکافته و در حال فروریختن است. در تشبیه دوم، عمر انسان را به سفره‌ای تشبیه می‌کند که گروهی بر سر آن می‌نشینند و در مدتی کوتاه هر چه در آن است می‌خورند و خالی می‌شود و در تشبیه سوم مدت بقای انسان را در این جهان به سفره‌ای کوتاهی تشبیه می‌کند که مسافر تا گرم راه رفتن می‌شود، پایان می‌پذیرد. در حقیقت حضرت(ع) با تعدد تشابیه در پی بیان این اندیشه است که انسان عاقل با مشاهده دگرگونی‌های دنیا و زوال نعمت‌های آن و بر باد رفتن حکومت‌ها و ویرانی آبادی‌ها نباید به دنیا دل ببندد و به نعمت‌هایش تکیه کند، چرا که این دنیا سرایی فناپذیر است. همچنین وجود جناس اشتقاق در سازه‌ها - که ناشی از تکرار مصدری از جنس عامل خود است - علاوه بر ایجاد موسیقی در تشبیهات، باعث تأکید و تقویت عامل می‌شود و انقضا و فنا و ناپایداری دنیا را تأکید و تقریر می‌کند. هنگامی که آن حضرت(ع) در خطبه صد و هشتم درباره سیطره و سلطه حکام خودکامه و بیدادگر در آینده سخن می‌گوید، گروه‌های اجتماعی آن زمان را به چهار دسته تقسیم می‌فرماید:

ساخت نحوی: اسم کان (مشبه) + مضاف‌الیه + خبر کان (مشبه‌به)				كَانَ
وَأَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا	وَسُلَاطِينُهُ سَبَاعًا	وَأَوْسَاطُهُ أُكَّالًا	وَأَفْقَرَاؤُهُ أَمْوَاتَا	

در این ساخت همپایه چهار تشبیه متوالی وجود دارد که مشبه اول، اسم کان و مشبه به آن خبر کان و بقیه تشبیهات همپایه با آن شده‌اند. حضرت(ع) مردم یک جامعه را به چهار گروه تقسیم می‌کند که عبارتند از: حاکمان و پادشاهان، اشراف و توانمندان، طبقه متوسط و فقرا و تهیدستان. سپس در یک ساخت همپایه چهارسازه‌ای و جمله‌واره‌ای هر گروه را به چیزی تشبیه می‌کند تا اوضاع جامعه در زمان سلطه ظالمان بهتر به تصویر کشیده شود و ویژگی‌های هر گروه بهتر بیان گردد. در دوران ظلم و بیداد اشراف و توانمندان همچون گرگان و حاکمان ظالم مانند درندگان و افراد متوسط جامعه همانند طعمه و خوراک اشراف و سلاطین و تهیدستان و بینوایان مانند مردگانند زیرا آنچه مایه ادامه زندگی آن‌هاست به وسیله طبقه بالاتر از آن‌ها گرفته شده است، آن‌ها مردگانی در لباس زندگانند و سختی و بلا در زندگی آن‌ها به نهایت خود می‌رسد.

۲-۵-۲. همپایگی در مشبه‌به‌های تشبیهات جمع

در خطبه‌های نهج البلاغه ۵۱ مورد تشبیه جمع وجود دارد که مشبه‌به آن‌ها با هم همپایه شده‌اند که از این میان حدود ۱۹ تشبیه جمع دو سازه‌ای و ۱۱ تشبیه جمع سه سازه‌ای و بقیه در ساخت‌های ۴ سازه‌ای و بیشتر به کار رفته‌اند. کاربرد فراوان تشبیهات جمع بیانگر وسعت خیال آن حضرت (ع) است که مشبه‌به‌هایی پیاپی به خاطر مبارک ایشان فی‌البداهه‌ها خطور کرده است.

در خطبه دوم نمونه‌ای از تشبیه جمع با دو سازه (مشبه‌به) وجود دارد که امام (ع) فضیلت خاندان پیامبر (ص) را برمی‌شمرد:

ساخت نحوی: خبر + مضاف‌الیه		لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ (ص) مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ ... هُمْ
وَعِمَادُ الْيَقِينِ	أَسَاسُ الدِّينِ	

حضرت (ع) برای تقریر مطلب از ساخت هم‌پایه‌ای (تشبیه جمع) با دو سازه گروهی که رابطه معنایی مترادف دارند، استفاده نموده است. همچنان‌که ساختمان بر پایه‌هایش استوار است، خاندان رسول نیز همانند ستون و پایه‌ای برای دین و یقین هستند. شاید بتوان گفت اینکه استقامت و ثبات و انتشار دین از ناحیه رسول اکرم (ص) است، آن‌چنان برای حضرت بدیهی است که مطلب خود را با دو سازه مترادف و نه بیشتر بیان می‌نماید، چرا که آنان مبلغ و ناشر اسلام هستند و ایمان در جان‌هایشان رسوخ کرده است تا جایکه حضرت (ع) در مورد خود بیان می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَوْ كَشَفَ لِي الْعِظَاءَ مَا أَزِدُّدْتُ يَقِينًا» (موسوی، ۱۳۷۶: ۷۰/۱) که کنایه از رسیدن به بالاترین درجات ایمان و اعتقاد است. علاوه بر همپایگی بلاغی و همپایگی نحوی، همپایگی آوایی دو سازه نیز مشهود است؛ سازه‌های مزین به سجع میان «الدین» و «الیقین» باعث همسانی فواصل و آهنگی گوشنواز شده است.

آن حضرت (ع) در خطبه بیست و هفتم که ارزش جهاد در راه خدا را بیان می‌نماید، به قصد تهییج شنوندگان بر پیکار با دشمنان، جهاد را در قالب تشبیه به اوصافی می‌ستاید:

ساخت نحوی: خبر + مضاف‌الیه + صفت			وَهُوَ
وَجُنَّتْ الْوُثِيقَةُ	وَدَرَعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ	لِبَاسِ الثَّقَوَى	

در این تشبیه بلیغ سه مشبه‌به در سازه‌های گروهی به کار رفته‌اند که میان آن‌ها رابطه افزایشی وجود دارد. لحن کلام حضرت (ع) چنان است که گویا قصد دارد شنوندگان را بر پیکار دشمنان بسیج کند، بدین خاطر سازه‌ها را افزایش داده و به بزرگداشت جهاد پرداخته و ارزش والای آن را از طریق تشبیه جهاد به امور محسوس برای مخاطب روشن می‌سازد تا حقیقت جهاد را برای آنان روشن‌تر سازد و احساسات مخاطبان را برانگیزد و آنان را از خواب غفلت بیدار کند. جهاد به لباس، زره و سپر تشبیه شده است و سپس زره و سپر را، به دو صفت موزون «الحصينة» و «الوثيقة» ستوده است. اقتضای کلام ایجاب می‌کند که تعداد سازه‌ها افزایش یابد تا ترک‌کنندگان جهاد به اشتباه خود پی‌برند و به یاری امام (ع) برخیزند و همچنین حس شوق و رغبت به جهاد در ایشان ایجاد گردد.

یکی از ویژگی‌های ساخت‌های همپایه در تشبیهات جمع، وجود سازه‌های زنجیره‌ای است که یک تشبیه جمع سازه‌های (مشبه‌به‌های) متعدد دارد که همگی در یک ساخت نحوی و یا برخی از آن‌ها در یک ساخت نحوی و برخی دیگر در ساخت نحوی دیگری به کار می‌روند، مانند این تشبیه که امام(ع) در نکوهش کوفیان در خطبه صد و هشتم می‌فرماید:

ساخت نحوی: مفعول به دوم + ب + لا + مجرور					مَا لِي أَرْأَكُمْ
أَشْبَاحاً بِلَا أَرْوَاحٍ	وَ أَرْوَاحاً بِلَا أَشْبَاحٍ	وَ نُسَاكاً بِلَا صَلَاحٍ	وَ تُجَاراً بِلَا أَرْبَاحٍ		
ساخت نحوی: مفعول به دوم + صفت					
وَ أَيَقَاطاً نُومًا	وَ شُهُوداً غَيْبًا	وَ نَاطِرَةً عَمِيَاءَ	وَ سَامِعَةً صَمَاءَ	وَ نَاطِقَةً بَكْمَاءَ	

همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌نماییم این تشبیه جمع نه سازه دارد که در همه سازه‌ها، مشبه‌به مفعول دوم فعل «آری» واقع شده که بر قرب مشابهت دلالت دارد. رنجش امام(ع) از کوفیان باعث شده که عاطفه امام به خروش آید و سازه‌ها را افزایش دهد و مشبه‌به‌هایی پیاپی و سرشار از تضاد و تناقض بر زبان جاری سازد که نشان از شخصیت‌های متناقض کوفیان دارد. افرادی که همانند پیکره‌های بی‌جان و روح و جان‌هایی بی‌پیکراند، زیرا قدرت ظاهری دارند، اما تفکر و تدبیر ندارند و یا صاحب تفکر و تدبیرند اما قدرت به‌کارگیری آن را ندارند. کسانی که به زهد و پارسایی تظاهر می‌کنند، درحالی‌که بی‌میلی آن‌ها به دنیا برخاسته از صلاح باطن و پاکی نفس نیست و همانند تاجران بی‌سود که زحمت می‌کشند، اما سود و بهره‌ای ندارند. افرادی که بر حسب ظاهر بیدارند و در صحنه حاضرند و چشم و گوش و زبان دارند، اما چون هیچ عکس‌عملی در برابر حوادث نیک و بد از خود نشان نمی‌دهند، گویی در خوابند و از صحنه غایبند و نابینا و کر و لالند!

علاوه بر سجع‌های موجود در این تشبیه (که واژگان «أرواح، أشباح، أرباح» سجع متوازی و «صلاح» نسبت به آنان سجع مطرف دارد. میان الفاظ «نوما و غیبا» موازنه وجود دارد و واژگان «عمیاء، صماء، بکماء» نیز سجع متوازی دارند) کاربرد هنری واژگان متضاد در درون سازه‌ها در ایجاد هماهنگی و موسیقی پنهان مؤثر است. «این موسیقی چه بسا به‌طور مستقیم قابل‌درک نباشد، ولی پس از تأمل و ایجاد ارتباط تضاد بین واژه‌ها در دورن، درک شده و سپس بر حواس تأثیر می‌گذارد» (هداره، ۱۰۶: ۱۹۹۰) و مخاطب تناقض‌های موجود در شخصیت‌های کوفیان را بهتر درک می‌نماید.

ساخت‌های زنجیره‌ای در خطبه صد و نود و هشتم نمود فراوانی دارند که زیباترین آن‌ها در فراز پایانی خطبه و در بیان فضایل و امتیازات قرآن، معجزه جاوید پیامبر(ص) است؛ ۴۲ سازه کوتاه و عمیق و پرمعنا به ۴۲ امتیاز مهم قرآن می‌پردازد که در چهار ساخت با سازه‌های زنجیره‌ای به کار رفته‌اند. در اولین ساخت زنجیره‌ای که سازه‌ها حال واقع شده‌اند و همگی با ادات ربط «واو» با هم همپایه گشته‌اند:

ساخت نحوی: حال + لا + فعل مضارع + فاعل + مضاف‌الیه			ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ
نُورًا لَا تُطْفَأُ مَصَابِيحُهُ	و سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ	و بَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرُهُ	
و مِنْهَا جَا لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ	و شُعَاعًا لَا يُظْلِمُ ضَوْؤُهُ	و فُرْقَانًا لَا يَحْمَدُ بُرْهَانُهُ	
و تَبَيَّنَا لَا تُهْدِمُ أَرْكَانُهُ	و شِفَاءً لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ	و عِزًّا لَا تُهْزِمُ أَنْصَارُهُ	
و حَقًّا لَا تُخْذَلُ أَعْوَانُهُ			

سپس قرآن را بر او نازل کرد، نوری که چراغ‌هایش خاموش نمی‌شود و چراغی که افروختگی‌اش کاهش بر نمی‌دارد و دریایی که قعرش درک نمی‌گردد و راهی که حرکت در آن گمراهی ندارد و شعاعی که روشنی آن تاریک نمی‌شود و جداکننده حق و باطلی که برهانش خاموشی ندارد و ساختمانی که پایه‌هایش ویران نگردد و شفایی که از عود بیماری در آن هراسی نیست و عزتی که یارانش را شکست نرسد و حقی که مددکارانش بی‌یاور نمانند (انصاریان، ۱۳۷۹: ۴۴۵). در این ساخت همپایه ده سازه گروهی وجود دارد که سازه‌ها به صورت زنجیره‌ای برای عظمت قرآن کریم افزایش یافته‌اند. ذوق سرشار امام (ع) و بیان زیبایی وی انسان را چنان در تصاویر پی‌درپی غرق می‌کند که هنوز تداعی یک تصویر در ذهن می‌چرخد که تصویری دیگر و تشبیهی دیگر جای آن را می‌گیرد. نکته قابل‌ذکر درباره این ساخت همپایه اینکه برخی از این سازه‌ها مشابهه هستند و این بیانگر مطبوع بودن کلام آن حضرت (ع) است که ایشان در تمامی سازه‌ها خود را مکلف به تشبیه نکرده‌اند.

در ادامه این خطبه، سازه‌ها در ساخت‌های دیگر بکار رفته‌اند که در اینجا مجال بررسی تمامی آن‌ها نیست (خطبه/۱۹۸).

۲-۶. همپایگی آوایی

اگر تشبیهات همپایه را از منظر آوایی بررسی کنیم ملاحظه می‌کنیم که بسیاری از صنایع بدیعی در این ساخت‌های همپایه وجود دارد که می‌توان گفت الگوی نحوی یکسان بستر برخی صناعات بدیعی از جمله سجع، جناس، مقابله و... شده است که نقش بسزایی در موسیقی تشبیهات دارد و آوایی دل‌انگیز به آن‌ها می‌بخشند. ملموس‌ترین جلوه موسیقایی تشبیهات خطبه‌ها، استفاده فراوان از الفاظ مسجع در کلمات پایانی سازه‌هاست که نقش زیادی در ساختار زیبای تشبیهات و آهنگین نمودن آن‌ها دارند.

۲-۶-۱. سجع

سجع به‌عنوان یک عنصر مهم آوایی نقش برجسته‌ای در موسیقی تشبیهات خطبه‌ها دارد. اکثر تشبیهات همپایه خطبه‌ها دارای سازه‌های مسجع هستند که موسیقی حاصل از آن، قدرت نفوذ تشبیهات را چند برابر می‌سازد و سبب ترغیب خواننده و تأثیرگذاری بیشتر مفاهیم در ذهن او می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت «عنصر آوایی باعث تقویت بیشتر جنبه معنایی می‌شود، زیرا وقتی کلمات مرتبط با معانی محوری در قالب سجع می‌آیند و در پایان ترکیب‌ها و جملات سجع صورت می‌گیرد تأثیر بیشتری بر خواننده می‌گذارد» (فرج، ۲۰۰۷: ۱۲۰). کاربرد هنرمندانه و به جا از این صنعت بدیعی زنگار تکلف و تصنع را از تشبیهات امام (ع) زدوده است به‌گونه‌ای که جرج جرداق در این‌باره می‌گوید: «با وجود وفور و فراوانی

جمله‌های متقاطع، موزون و مسجع از تصنع بسی دور و به طبع سرشار او بسی نزدیک است» (جرداق، ۱۳۸۴: ۲۸).

تشبیهات مسجع در کلام امام(ع) به گونه‌های مختلفی به کار رفته است. گاهی متعلقات یک تشبیه به قرینه‌هایی مسجع مزین گشته است و گاهی دیگر فواصل دو تشبیه متوالی مسجع است و دیگر گاه مشبه به تشبیهات جمع آراسته به سجع است. انواع مختلفی از سجع در تشبیهات وجود دارند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

از جمله نمونه‌های سجع مطرف در ساخت‌های همپایه تشبیهات، کلام آن حضرت(ع) در تشبیه فتنه‌ها به شب تار و دریای موج است: «عُقِدَتْ زَايَاثُ الْفِتَنِ الْمَعْضَلَةِ وَ أَقْبَلْنَ كَاللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ الْبَحْرِ الْمُنْتَطِمِ» (خطبه/۱۰۱) آن وقت است که پرچم‌های فتنه و آشوب که راه‌هایی از آن نیست به اهتزاز آید و همانند شب تار و دریای پر موج روی آورد (انصاریان، ۱۳۷۹: ۲۲۳). امام(ع) برای تبیین بهتر فتنه‌ها و آشوب‌هایی که در آینده رخ خواهد داد از دو سازه گروهی همپایه «اللیل المظلم» و «البحر المنطم» استفاده نموده که در فواصل آن‌ها سجع مطرف وجود دارد. واژه‌های مسجع «المظلم» و «المنطم» در عین همگونی و تناسب آوایی در تکوین مضامین تشبیه نقشی انکارناپذیر دارند و مخاطب را در تجسم فضایی مملو از اضطراب و تیرگی فتنه‌ها یاری می‌کند.

هنگامی که خشم امام(ع) از جفای منافقان به خروش می‌آید، با افزایش سازه‌های مسجع به توصیف آنان می‌پردازد: «وَصَفُّهُمْ دَوَاءً وَ قَوْلُهُمْ شِفَاءً وَ فِعْلُهُمْ الدَّاءُ الْعِيَاءُ حَسَدَةُ الرَّخَاءِ وَ مُوَكَّدُو الْبِلَاءِ وَ مُقْنَطُو الرَّخَاءِ» (خطبه/۱۹۴) وصفشان به ظاهر دوی درد و گفتارشان شفاست، اما عملشان دردی است بی‌دوا. بر راحت مردمان حسد می‌برند، بر گرفتاری دیگران می‌افزایند و امیدواران را نومید می‌کنند (انصاریان، ۱۳۷۹: ۴۳۳). در این ساخت همپایه سه سازه جمله‌واره‌ای تشبیه بلیغ از نوع مبتدا و خبر و مزین به سجع متوازی وجود دارد که با چند تصویر پی‌درپی گفتار و رفتار منافقان را تجسم بخشیده است که همگی حکایت از دوگانگی شخصیت آن‌ها و تفاوت ظاهر و باطن آنان دارد و سپس در ادامه سخن «الحسدة الرخاء و...» با اینکه ساختار سازه‌ها تغییر می‌یابد و تشبیهی وجود ندارد اما فواصل مسجع ادامه یافته و به بیان سه وصف دیگر پرداخته تا حقیقت منافقان بهتر برای مخاطب آشکار شود.

حضرت(ع) در توصیف دنیا از زیباترین تصاویر و ساخت‌های همپایه مسجع که چهره واقعی دنیا را به نمایش می‌گذارد، استفاده نموده است: «أَلَا وَ هِيَ الْمُتَصَدِّقَةُ الْعُنُوتُ وَ الْجَامِحَةُ الْحَزُونُ وَ الْمَائِنَةُ الْخُونُ وَ الْجَحُودُ الْكِنُودُ وَ الْعُنُودُ الصَّدُودُ وَ الْحَيُودُ الْمَيُودُ» (خطبه/۱۹۱) بدانید که آن چارپایی است سرکش و گریزپای، اسبی است چموش و نافرمان، دروغگویی است خائن، حق‌ناشناسی است ناسپاس، ستمگری است بیراهه رو، دوری کننده‌ای است بی‌قرار (انصاریان، ۱۳۷۹: ۵۳۵). تعدد مشبه‌به‌ها و سازه‌های زنجیره‌ای گروهی، دگرگونی و نوسان دائمی دنیا و ناپایداری آن را بهتر برای مخاطب به تصویر می‌کشد. همچنین ساختار نحوی کلام که جمله اسمیه است، ثبوت این مطلب را بیشتر تأکید می‌کند. سازه‌های یکسان (خبر + صفت) و ضربه‌های آنی فواصل مسجع، تصاویر آهنگین را به سرعت در برابر چشمان

خواننده تداعی می‌کند. گویی با این سازه‌های کوتاه دگرگونی دنیا و ناپایداری آن در ذهن خواننده منعکس می‌گردد و طنین هماهنگی صوتی فواصل با انسجام معنایی در یک نقطه به هم می‌رسد.

۲-۶-۲. جناس

جناس از زیباترین و مشهورترین محسنات لفظی است که از طریق تکرار موسیقایی، معانی زیبا و جذابی را به وجود می‌آورد.

زیبایی جناس به کمک معانی به وجود می‌آید، زیرا اگر لفظ به‌تنهایی بود زیبایی در جناس نبود بلکه زشت و ناپسند بود بدین خاطر زیاده‌روی و میل زیاد در به‌کارگیری جناس مذموم شمرده شده است، چرا که معانی همیشه به سویی که جناس آن را می‌کشاند نمی‌روند بلکه الفاظ خدمت‌گزار و تحت تصرف معانی هستند و این معانی هستند که زمام الفاظ را بر کف گرفته و سزاوار فرمانروایی بر الفاظند. پس کسی که لفظ را بر معنا چیره سازد، همانند کسی است که اشیاء را از جهت و سرشت خود منحرف کند که این امر مورد نکوهش است (الجرجانی، ۱۹۹۱: ۸).

انواع مختلفی از جناس‌ها در تشبیهات خطبه‌ها به‌کار رفته است که به مواردی از آن اشاره می‌گردد. امام(ع) برای نشان دادن ثبات و پایداری در راه حق، خویش را به کوهی تشبیه می‌فرماید: «فَطَرْتُ بِعَيْنِهَا وَ اسْتَبَدَّتْ بِرَهَانِهَا كَالْحَجَلِ لَا تُحَرِّكُهُ الْقَوَاصِفُ وَ لَا تُزِيلُهُ الْعَوَاصِفُ» (خطبه/۳۷) با عنان فضائل پرواز کردم و جایزه مسابقه را بردم، همانند کوهی که باد شکننده آن را نجنباند و طوفان آن را از جا نکند (انصاریان، ۱۳۷۹: ۱۱۱). دو سازه با ساختار نحوی یکسان (فعل + مفعول به + فاعل) و مزین به جناس مضارع زیبایی تشبیه را افزون نموده است. موسیقی برخاسته از جناس مضارع میان دو کلمه «قواصف» و «عواصف» در متعلقات مشابهه در فاصله‌ها (جایگاه سجع) بکار رفته‌اند که باعث مضاعف شدن کارکرد آن در تقویت اثر صوتی است. جناس به‌خودی‌خود یک قطعه موسیقی متمرکز است، اما هنگامی که در ضمن موسیقی سجعی بکار رود، موسیقی آن افزایش می‌یابد.

از جمله نمونه‌های جناس لاحق در تشبیهات همپایه خطبه‌ها، خطبه صد و پنجاه و ششم است که امام(ع) در فضیلت قرآن می‌فرماید: «وَ عَلَيَّكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَ التُّورُ الْمُبِينُ وَ الشَّفَاءُ الْبَاقِعُ وَ الرَّيُّ الْبَاقِعُ» (خطبه/۱۵۶) بر شما باد به کتاب خدا که ریسمانی محکم و نوری آشکار و دارویی سودمند و سیراب‌کننده‌ای فرونشاندنده عطش است (انصاریان، ۱۳۷۹: ۳۴۵). آن حضرت(ع) برای تبیین بهتر عظمت و فضیلت کتاب خدا آن را در قالب تشبیه بیان می‌دارد و به‌خاطر ترغیب مردم به مواظبت بر کتاب خدا و تمسک به آن، سازه‌های گروهی (خبر + صفت) مشابهه را افزایش می‌دهد و تصویری را بعد از دیگری در ذهن خواننده مجسم می‌کند و هر یک از مشابهه‌ها را با یک صفت توضیح بیشتری داده که میان دو واژه «المتین» و «المین» جناس لاحق و محرّف و میان دو کلمه «النافع» و «الناقع» جناس لاحق وجود دارد و علاوه بر این، جناس‌ها در جایگاه سجع واقع شده‌اند که این تجانس، انسجام و تناسب تشبیه را دوچندان کرده و باعث ریتمی منظم و گوشنواز شده است.

آن حضرت(ع) در نکوهش یاران خود و در تشبیهی معقول به محسوس، اخلاق و فکر و اندیشه منحرف آنان را به کمان تشبیه می‌فرماید: «أَقْوَمُكُمْ غُدُوَّةً وَ تَرْجَعُونَ إِلَيَّ عَشِيَّةً كَطَهْرِ الْخَنِيَّةِ عَجَزَ الْمُقْوَمُ وَ أَعْضَلَ الْمُقْوَمُ» (خطبه/۹۷) بامدادان شما را مستقیم می‌نمایم شامگاهان مانند کمان کژ به سویم باز می‌گردید. اصلاح‌کننده عاجز شده و شنونده غیرقابل انعطاف گشته است (انصاریان، ۱۳۷۹: ۲۱۴). مقصود امام(ع) از «المقوم» خود آن بزرگوار است که بر ناتوانی خود در قوام بخشیدن به یارانش اعتراف می‌کند و منظور از «المقوم» یاران ایشان است که به دلیل انحراف اخلاقی توجهی به نصایح دلسوزانه ایشان نداشته‌اند و دل آن بزرگوار را بدرد آورند که با اندوه و تأسف این تشبیه را بیان می‌دارد. دو جمله فعلیه با هم همپایه شده‌اند که میان فاعل آن‌ها «المقوم» و «المقوم» جناس محرف وجود دارد. علاوه بر آن صنعت رد العجز علی الصدر و جناس اشتقاق بین واژه «أقومکم» با واژه «المقوم» و «المقوم» نیز بر زیبایی عبارت افزوده است.

نوع دیگری از جناس یعنی جناس اشتقاق در میان تشبیهات همپایه خطبه‌ها به چشم می‌خورد که تفاوت آن با بقیه انواع جناس در این است که همپایگی باعث این نوع جناس نشده است. بلکه هر تشبیهی در درون خود جناس اشتقاق دارد و غالب به‌کارگیری آن در تشبیهات بلیغی است که مشبه به مفعول مطلق نوعی واقع شده است. از نمونه‌های این نوع جناس سخن آن حضرت(ع) در مورد نماز است: «انها لَتَحُتُّ الذُّنُوبُ حَتَّ الْوَرَقِ وَ تُطَلَّقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبِيِّ» (خطبه/۱۹۹) نماز همچون ریختن برگ درخت گناهان را می‌ریزد و همچون بندی که باز گردد بند گناهان را می‌گشاید (انصاریان، ۱۳۷۹: ۴۴۷). ساخت دو سازه همپایه در حقیقت بدین گونه بوده است: «لنحت الذنوب حتا كحت الذنوب و تطلقها إطلافا كإطلاق الربق». ساختار فعلیه این نوع از تشبیه - که مشبه به مفعول مطلق نوعی واقع شده است - «به دلیل برخورداری از تحرک و پویایی، بر تغییر و تحول دلالت دارد» (فاضلی، ۱۳۸۸: ۷۴) یعنی همان گونه که نماز از گناهان آینده به مضمون آیه شریفه «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (العنکبوت، بخشی از آیه ۴۵) جلوگیری می‌کند، نسبت به گناهان گذشته نیز از طریق توبه و انابه به درگاه الهی که نماز بستر آن را فراهم می‌سازد اثر می‌گذارد و گناهانی را که همچون طناب بر گردن انسان قرار گرفته و او را از پیشرفت و ترقی مانع می‌شود، از بین برده و انسان را آزاد می‌سازد. جناس اشتقاق «تحت و حت» و «تطلق و إطلاق» و تکرار مصدر از جنس عامل خود، علاوه بر تأکید کلام، موسیقی دل‌انگیزی را پدید می‌آورد.

۲-۶-۳. تقابل

از جمله ساخت‌های متقابل در تشبیهات همپایه می‌توان به کلام آن حضرت(ع) در تشبیه گناه و خطا به اسب چموش و تقوا به مرکب رام اشاره کرد:

أَلَا وَ إِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمْسٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ خُلِعَتْ لِحْمُهَا فَتَفَحَّمَتْ بِهِمْ فِي النَّارِ
أَلَا وَ إِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا دُلَّلٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ أُعْطُوا أَرْمَتَهَا فَأَوْرَدَتْهُمْ الْجَنَّةَ (خطبه/۱۶)

در سازه اول گناهان به اسبان چموشی تشبیه شده‌اند که لجام‌گسیخته سواران خود را به پیش می‌برند تا به جهنم وارد کنند و در سازه دوم تقوی به مرکب‌های راهواری تشبیه شده است که مهارشان به دست سواران آنها است و آنان را وارد بهشت می‌نمایند. ساختار نحوی یکسان و تقابل واژگان دو سازه باعث می‌شود مخاطب تفاوت عملکرد گناهان و پرهیزگاری را بهتر درک نماید.

یا کلام آن حضرت (ع) درباره دنیا و آخرت:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ» (خطبه/۲۰۳)

در این ساخت همپایه تشبیهی حضرت (ع) انسان‌ها را به دوری از دنیا و علاقه‌مندی به آخرت تشویق فرموده‌اند و دنیا را به خانه‌ای گذرا و موقت تشبیه کرده‌اند. سپس برای تثبیت و تأکید این موضوع، متضاد آن را نیز در قالب تشبیه‌ای دیگر و دقیقاً در همان ترکیب نحوی تشبیه اول (مبتدا + خبر + مضاف‌الیه) تصویرسازی کرده‌اند تا تفاوت آن دو بهتر به ذهن رسد. موسیقایی تشابیه به تقابل دو جمله همپایه با الگوی نحوی ساختار واحد برمی‌گردد و دو تصویر متقابل در ذهن مخاطب تداعی می‌سازد.

نتیجه‌گیری

در خطبه‌های نهج‌البلاغه تشبیهات فراوانی به‌کار رفته است. یکی از ویژگی‌های سبکی این تشبیهات همپایگی است که زیرشاخه لایه نحوی سبک‌شناسی زبانی است. حدود نیمی از تشبیهات خطبه‌های نهج‌البلاغه دارای ساخت‌های همپایه هستند. انواع سازه‌های کلمه‌ای، گروهی و جمله‌ای در تشبیهات همپایه وجود دارد که سازه کلمه‌ای کم‌بسامدترین و سازه جمله‌واره‌ای پر‌بسامدترین سازه‌ها هستند. همچنین سازه‌های موجود در ساخت‌های همپایه تشبیهات دارای روابط معنایی گوناگونی از جمله ترادف، تضاد، افزایش، یکسانی و نفی هستند.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان ساخت‌های تشبیهات همپایه را به دو نوع تقسیم کرد: نوع اول همپایگی در تشبیهات متوالی است که حدود ۵۹ تشبیه همپایه از این نوع در خطبه‌های نهج‌البلاغه وجود دارد که ساخت‌های دو سازه‌ای پر‌بسامدترین و ساخت‌های چهارسازه‌ای کم‌بسامدترین تشبیهات همپایه را تشکیل می‌دهند. نوع دوم از تشبیهات همپایه در مشبیه تشبیهات جمع است. حدود ۵۱ تشبیه جمع در خطبه‌ها وجود دارد که مشبیه به آن‌ها با هم همپایه هستند که از این میان حدود ۱۹ تشبیه جمع دو سازه‌ای و ۱۱ تشبیه جمع سه سازه‌ای و بقیه در ساخت‌های ۴ سازه‌ای و بیشتر به‌کار رفته‌اند. یکی از ویژگی‌های ساخت‌های همپایه در تشبیهات جمع وجود سازه‌های زنجیره‌ای است که یک تشبیه جمع سازه‌های (مشبیه‌به) متعددی دارد.

همپایگی نحوی باعث موسیقایی شدن تشابیه و همپایگی آوایی نیز گشته است. صنایع بدیعی از جمله سجع و جناس و تقابل و موازنه در نتیجه همپایگی نحوی به وجود آمده‌اند که می‌توان گفت همپایگی نحوی بستر برخی از این بدیعیات است.

منابع

- القرآن الکریم.
- انصاریان، حسین. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. تهران: انتشارات پیام آزادی.
- باقلانی، ابوبکر. (۱۹۵۴). إعجاز القرآن. تصحیح أحمد صقر، مصر: دارالمعارف.
- تفتازانی، سعدالدین. (۱۳۹۲). شرح مختصر. قم: دارالحکمة.
- الجرجانی، عبدالقاهر. (۱۹۹۱). أسرار البلاغة. الطبعة الأولى، القاهرة: مطبعة المدني.
- الجندی، علی. (۱۹۵۲). فن التشبيه. الطبعة الأولى، مصر: مطبعة تحضة مصر.
- العسکری، ابوهلال الحسن بن عبدالله بن سهل. (۱۹۵۲). الصناعتين. تحقیق علی محمد البجاوی و محمد ابراهیم أبوالفضل، الطبعة الأولى، دار إحياء الكتب العربية.
- غلامعلی‌زاده، خسرو. (۱۳۷۷). ساخت زبان فارسی. چاپ دوم. تهران: احیاء کتاب.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۸ ش). دراسة و نقد في مسائل بلاغية هامة. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فالک، جولیا. (۱۳۷۷). زبان‌شناسی و زبان. بررسی مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: انتشارات سخن.
- فرشی‌دورد، خسرو. (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید. تهران: سخن.
- قائمی، مرتضی و صاعدانور، فائزه. (۱۳۹۴). «ساخت‌های همپایه در جزء سی‌ام قرآن کریم». دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، شماره ۳، ۶۵-۹۲.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۰). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری. ویرایش دوم، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مفتاح، محمد. (۱۹۹۶). التشابه و الاختلاف، نحو منهجية شمولية. الدار البيضاء.
- موسوی، سید عباس. (۱۳۷۶). شرح نهج البلاغه. بیروت: دارالرسول الاکرم- دارالمحجة البيضاء.
- هدارة، محمد مصطفی. (۱۹۹۰). في النقد الحديث. الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب.